



کتابخانه



سلام



زندگی از منظر سوره «الرحمن»:

جلسه دهم – خرداد ماه ۱۳۹۹

آیة مفتاح:



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشندهٔ مهربان

خداوند هیچ چیزی را به ما «**نبخشیده**»،

بلکه «هر توان و امکانی» که نزدِ ماست،

و حتی «خودِ ما»، «**امانتِ الهی**» است

و درِ قبالِ آنها، «**مسئول**» هستیم.

پس آیه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یعنی:

به نام خداوندِ «فرستادهنده» مهربان

و طبق این آیه مهم قرآن،

خداوند، « **منبعِ رحمت** »

و جهان، « **جلوهٔ رحمت** » اوست،

و او به انسان و تمام مخلوقات، فرصتِ « **مظهریت** » داده

که اگر « **خودپرست** » نشوند،

^۹ **رحمتِ رحیمیه و جاودانه** را هم در آنها متجلی می‌کند.

اما اگر هر « **جَنّ** و **انسی** »،

« **خودخواه** » و « **متکبر** » شود

برای همیشه از برکاتِ رحمتِ رحیمیه الهی « **محروم** » می شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ: }
۱- الرَّحِيمِ
۲- الرَّحِيمِ

آیة اول:



«الرحمن»

(١)

« **رحمان** »، « صفتِ عام » است،

یعنی: رحمتِ الهی (و فرصتِ مظهر حقّ بودن)،

بر تمامِ مخلوقاتِ « **لایق** و **نالایق** »،

« **یکسان** » می‌تابد و می‌بارد و می‌نوازد.

پس «تار و پود» تمام عناصرِ جهان
از «عشق و محبت و رحمت» است
و هیچ «نفرت و زحمتی» در جهان نیست:

وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ

... (أعراف/١٥٦)

... و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است ...

A landscape photograph showing rolling green hills under a clear sky. A single, bare, dark tree stands on a small rise in the middle ground. A yellow banner with a 3D effect is overlaid across the lower portion of the image, containing Arabic text in black and red. The text reads: « واکنش » مخلوقات به « رحمانیت » الهی:

« واکنش » مخلوقات به « رحمانیت » الهی:

با اینکه « تمام مخلوقات »،

« مطیع » خالق هستند، اما شیطان،

نسبت به رحمانیتِ (خداوند)، عصیانگر است:

إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا (مریم/۴۴)

و برخی از مردم هم

به رحمانیتِ (خدا)، « کفر » می‌ورزند:

... وَ هُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ ... (رعد/۳۰)

وَ هُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ (أنبياء/۳۶)

A landscape photograph showing rolling green hills under a clear sky. A single, bare, dark tree stands prominently on a ridge in the middle ground. The hills are covered in lush green grass, with some areas appearing slightly more yellowish, possibly due to the lighting or the type of vegetation. The overall scene is peaceful and serene.

« کفر » به رحمانیتِ خدا یعنی چه؟

« کفر به رحمانیت » یعنی:

با « **منیت** و **خودپرستی** و **مقایسه** و **تفاخر** »،

خودشان را « **تافته** جدا **بافته** » می‌پندارند،

و « بدون هیچ تلاش مجاز و مفید و اطاعتی »،

می‌خواهند خودسرانه، « **ارباب** » دیگران باشند.

اگر « **إِبلِیس** » و مردمِ « **کافر** »،

بخواهند « **رحمانیتِ خدا** » را بپذیرند،

باید « **نبوّت و رسالت و امامت و ولایت** »،

و « **اتحاد و وحدت و نظام واحد** » را بپذیرند،

و ²¹ به تعالیم الهی و احکام شرعی، « **متعهّد** » باشند.

پس چون « خالقِ » افراد بشر

سرشار از « عشق و محبت و رحمت » است،

پس « تمام افراد بشر » هم باید

سرشار از « عشق و محبت و اطاعت و رحمت »

نسبت به « عالمین » باشند.

و «**إصلاح** تمام امورِ **زندگی**»

(در عرصهٔ خانواده، اقتصاد، اجتماع، سیاست، ...)

از همین جا «**شروع**» می‌شود.



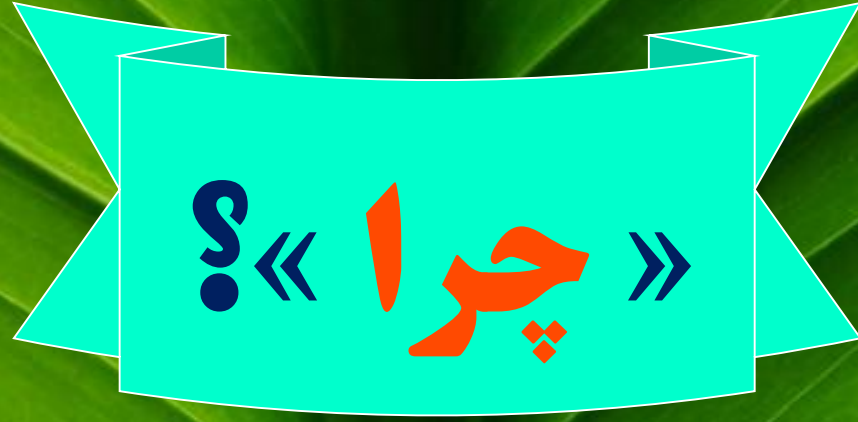
«^۳مشخصه^۲ اصلی رحمانیتِ» خدا چیست؟

وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ

أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا

(مریم/۹۲)

برای²³ «رحمان» سزاوار نیست «فرزند» بگیرد.



زیرا در آنصورت،

باید چیزی از او « **جدا** » می‌شد، که:

۱- نشانه « **نقص** و **نیاز** » او بود،

۲- و او دیگر « **صمد** و **نامحدود** » نبود.

۳- و رحمتِ او برای همه، « **عام** و **یکسان** » نبود.

A landscape photograph showing rolling green hills under a clear sky. A single, bare, dark tree stands prominently on a ridge in the middle ground. The hills are covered in lush green grass, with some areas appearing slightly yellowed. A bright yellow banner with a 3D effect is positioned horizontally across the lower third of the image. The banner contains Persian text in a stylized font. The word 'مجازات' is in red, while the rest of the text is in black.

« مجازاتِ » دنیوی نفهمیدنِ رحمانیت چیست؟

وَمَنْ يَغْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ،

نُقِصَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ.

(زخرف/۳۶)

و آنکه از « یادِ نورانیِ رحمانیتِ » الهی دل بگرداند

بر^{۲۹} او شیطانی می‌گماریم تا همدمش باشد (و او را به تفرقه‌افکنی بکشاند).

آیہ دوم:



عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲)
الرَّحْمَنُ (۱)

الرحمن (۱) قرآن را آموخت. (۲)

« **تعلیم** » یعنی:

« **إحاطه** » بخشیدن « **بر** » چیزی،

و « **جاری** » کردن « **قدرت** » آن چیز

برای « **بکارگیری** » آن در « **زندگی** »:

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ

أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ

(نمل / ٤٠)

قله راد شمعاً بنده دل، هدا من فضل روی بنفوس التکر ام افکار و من شکر لیلما بشکر تقیبه و من فکر قول من شکر قریه

آنکه نزد او دانشی از کتاب (الهی) بود گفت:

من³³ آنرا قبل از آنکه چشم خود را بر هم بزنم برای تو می آورم ...

پس «الرحمن عَلَّمَ الْقُرْآنَ» یعنی:

خداوند «نَفْسِ عالمانه و عاشقانه»،

و محبّتِ «قرآنی» خود را «جاری» کرد.

«قرآن» چیست؟

«قرآن»

کتابِ آموزشِ «عشق و محبت»

و «زندگیِ بزرگوارانه» است.

انتظار خدا از مردم دربارهٔ «قرآن»:

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (حشر/٢١)

فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (زمر/٢٧)

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (زخرف/٢)

انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ (أنعام/٦٥)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ .. لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (سجده/٣)

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (أعراف/١٧٤)

تکالیف مردم نسبت به «قرآن» چیست؟

١- وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا (أعراف/٢٠٤)

۲۔ وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ؟ (قمر/۱۷)

۶۔ کِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ لِيَذَّبَرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ (ص ۲۹)

۴۔ اَلْقُرْآنُ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (بقرہ/۱۸۵)

۵۔ فَاَقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ (مزمّل/۲۰)

برخورد « مسلمانان » با « قرآن »:

هر چند برای: صوت، لحن، تجوید، کتابت و حفظِ قرآن،
در « کشورهای اسلامی »، تلاش فراوانی انجام می‌شود
اما رسول اکرم صلی الله علیه و آله آنرا « مهجور » می‌بیند:

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ! **إِنْ قَوْمِي،**

اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (فرقان / ۳۰)

برخورد «غیر مسلمانان» با «قرآن»:

الْقُرْآنَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا (كهف/٥٤)

... وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوءًا (كهف/٥٦)

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ (تکه تکه کردند) (حجر/٩١)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (إسراء/٤١)

الْقُرْآنَ فَاَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (إسراء/٨٩)

نکته « مهم :

« افعالِ » منسوب به ذات اقدس الهی،

از قضایای شخصی نیست و « جدا از زمان » است.

پس « عَلَّمَ »، « فعل ماضی » نیست،

یعنی کارِ خدا تعلیم است و « عَلَّمَ الْقُرْآنَ » یعنی:

این⁴⁶ « قرآن » هر لحظه بر انسانِ پاک « می بارد »:

لذا خداوند می فرماید:

سَقِرْكَ فَا تَنْسِي

(أعلى/٦)

ما (با⁴⁷ سروش غیبی) تو را به «قرائت» می آوریم پس فراموش نمی کنی.

آیة سوم:



الرَّحْمَنُ (۱)

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳)

رحمان * قرآن (خود) را « تفهیم » کرد و « جاری » ساخت.
و « انسان » را (به عنوان آخرین مخلوق خود و لایق حمل قرآن،) پدید آورد.

پس تمامِ اعضاء و اجزاء انسان،

سرشار از « **رحمت** و **محبت** و **عشق** » الهی است.

و « **پیدایشِ انسان** »،

بر « **مبنایِ قرآن** » و « **مطابق با عظمتِ قرآن** »

و برای « **ظهورِ قرآن** » است.

یعنی «پیکرِ انسان»

«ظرفِ قرآن»

و برای ظهورِ «قرآن» است.

یعنی « **ساختارِ انسان** »،

بر اساس « **قرآن** » است

و به تعبیری « **سیستمِ عاملِ** » انسان،

« **قرآنی** » است.

آیہ چہارم:



عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲)
 خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳)
 الرَّحْمَنُ (۱)
 عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴)

الرحمن * قرآن را آموخت * انسان را پدید آورد *
 و (قدرت) روشنگری (خود) را به او آموخت.

سومین جلوه‌ی «**رحمانیت**»،

تعلیم «**بیان**»

به «**انسان**» است.

« عَلَّمَهُ الْبَيَانَ » یعنی چه؟

یعنی: خدا، قدرتِ «**بیان**» را به انسان داد

تا او به عنوان «**خلیفهٔ خدا**»

هر «**ابهامی**» را در زندگیِ خود و دیگران،

با «**نورِ عقلِ قرآنی**»، روشن کند.

« عِلْمُهُ الْبَيَانُ » یعنی:

« کلام و رفتار و ادعای انسان »،

نباید « مبهم »،

و « غیر عقلانی و غیر قرآنی » باشد.

پس « آفرینشِ انسان »،

در میان دو « تعلیم » قرار دارد:

عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ

« بیان » چیست؟

« **بیان** »، توانایی خاصِ انسان در:

« سخن گفتن، روشنگری، ابهام زدایی و ایجاد شفافیت »،

و « از بین بردن شکّ و تردید » است،

که با زبان یا با قلم یا با چهره و یا با وسائل دیگر

از ضمیر و باطنِ هر چیزی، « **پرده‌برداری** » می‌کند.

« قدرت بیان و سخن گفتن »،

« هدیهٔ بسیار ارزشمندِ الهی » به انسان است،

که اگر به انسان « تعلیمِ کلام و بیان » نمی‌شد

هیچ فرقی با « حیوان » نداشت

و زندگیش، « بی‌معنا، جامد، راکد و مُبهم » بود.

پس « **عَلَّمَهُ الْبَيَانُ** »،

منظور « حرف زدنیهای تکراری و معمولی »

و غالبا « لغو و بیهوده و عاداتی و مخرب » نیست.

بلکه آن بیانِ تعلیمی الهی،

« **بیدار** کننده و **روشن** کننده **راهِ زندگی** » است.

انسانی که « **بیان** » دارد،

« **با حال** » و در مسیر « **أحسن الحال** » است.

و « هر روزش »،

بهتر، روشن تر، واضح تر، شفاف تر، زلال تر، منطقی تر

و برهان و حجتش، « **بیشتر** از دیروز » اوست.

اما « **بهیمة** »، هر روزش، « **بدتر** از دیروز یا تکراری » است.

«**روشنی**» بیان، از تفکر و تعقل است
پس برای افراد بی‌اعتنا به فکر و عقل،
هیچ چیز زندگی، «**روشن**» نیست.

« پُر حرف » بدونِ « بیان »، « اُبکم » است.

فرقِ «انسان» با «بهمه» در چیست:

انسانی که « **بیان** » دارد،

« قلم، حرف، قیام و قعود و زندگی‌ش، معنایِ روشنی دارد. »

اما حیوان، « **بهیمه** » است، چرا؟

چون نعره و صوت و صدایش مبهم است و معنا و ادبیاتی ندارد.

لذا قرآن افراد کور دل و کر و لال را « **كَأَنَّهُمْ** » می‌نامد، زیرا

سر و ته حرف و زندگی آنها را مرور کنید، معنایی در آنها نمی‌بینید.

بنابراین:

« **طلاق** »، نتیجه « **ابهام** » در « **ازدواج** » است.

هر نوع « **توقع** » از والدین، همسر، فرزند و مخلوق،

و هر « **ریا** » و « **شرک** » و « **کفر** » و « **نفاق** »،

نشانه « **ابهام** » داشتن و « **بیان** » نداشتن است.

« مبہم » یعنی چہ؟

« **مبهم** » هر حرف یا رفتار یا ادعایی است که
هیچ « دلیل علمی و عقلی و منطقی » ندارد،
مثلا افرادِ گرفتار « **مُد** گرایی و چشم و همچشمی »،
در واقع دنبالِ « **خیال** بافی » و « **ریا** کاری » هستند.
و احساسِ « **حقارت** » پنهانِ خود را اِرضاء می کنند.

A photograph of a window with light-colored sheer curtains. The window is divided into several panes. Outside the window, there are lush green trees and foliage. On the windowsill, there are several potted plants with bright red flowers. A teal banner with white text is overlaid on the bottom left of the image.

« نکته » مهم:

« بیانِ » انسان،

وقتی « فَعَّالٌ » می شود،

و او را به « رستگاری » می رساند که:

به « قرآن و رسول » متّصل باشد:

و این « **إِتِّصَال** » به نبوّت و امامت و ولایت،

انسانِ مؤمن و صالح را « **آیةِ الهی** »،

و « **محبوبِ قلوب** »،

و صاحبِ « **برکات** و **إِعْجَاز** » می کند.

« بیان » تعلیم شده به انسان، « دو جنبه » دارد:

۱- « قدرتِ تفهیم »:

برای دریافت و فهمِ « بیّنات »،

۲- « قدرتِ تفهیم »:

برای إرائهٔ « بیّنات و إقناع » دیگران.

پس « **فهمِ بیّنات** »، تفکر و تعقل و تذکر می‌خواهد
تا انسان بتواند به زندگی سالم، « هدایت » شود:

... کَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ الْاٰیٰتِ لَعَلَّكُمْ **تَتَفَكَّرُوْنَ** (بقره/۲۱۹)

کَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ **آیٰاتِه** لَعَلَّكُمْ **تَعْقِلُوْنَ** (بقره/۲۴۲)

... وَ يُبَيِّنُ **آیٰاتِه** لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ **يَتَذَكَّرُوْنَ** (بقره/۲۲۱)

... کَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ **آیٰاتِه** لَعَلَّكُمْ **تَهْتَدُوْنَ** (آل عمران/۱۰۳) ⁷⁶

اگر « **تفکر** و **تعقل** و **تفهم** » انسان،

« **فعال** » نباشد،

نه تنها از « **بینات** » بهره‌ای نمی‌برد

بلکه آنها را « **انکار** » هم می‌کند،

و از حدّ طبیعی و عقلی و شرعی « **خارج** » می‌شود:

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ
وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (بقره/۹۹)

و قطعاً بر تو آیاتی روشن فرو فرستادیم

و جز ساختارشکنان، آنها را انکار نمی‌کند.

پس « **کافر** »،

در واقع « **تفکر** و **تعقل** » خود را

« **می پوشاند** » تا « **حق** » را نفهمد.

در نظامِ حکیمانهٔ الهی،

برای انسانی که قدرتِ «**تفهّم**» دارد

«**تفرقه و اختلاف**» در خانواده و جامعه،

بعد از إرائهٔ «**بیّنات**»، «**پذیرفتنی**» نیست:

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا

مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ

وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (آل عمران/ ۱۰۵)

و مثلِ آنهایی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند پس از آن
که⁸¹ دلائل آشکار برایشان آمد زیرا برای آنها عذابی سهمگین است.

آیہ پنجم:



الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵)

درخشانی خورشید و منعکس کنندگی ماه،

بر مبنای حساب (ی دقیق) است.

خدایا :

« کلام » ما را « بیان »

و « بیانِ » ما را « روشن و مفید » قرار ده

و در ظهور آخرین حجت ما را سهیم کن.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ